



A study of the subject of "exaggeration" in Oliver Leaman's Qur'anic Encyclopedia*

Mohammad Ali Afzali ¹

Abstract

This paper examines the article "Exaggeration" in the encyclopedia "The Qur'an, an Encyclopedia", written by Professor Oliver Leaman. Dr. Asma Afsar al-Din, a member of the editorial board of this encyclopedia, wrote it; but by analyzing and evaluating this article, it can be considered an incomplete attempt to explain the issue of exaggeration in the Qur'an. This article has many shortcomings in terms of structure and content. Provides an incomplete definition of exaggeration, does not deal with the types of exaggeration, its causes, its examples and its signs, does not examine the uses of the word exaggeration in the Qur'an and does not examine the verses related to this subject and the examples of exaggeration in the Qur'an has not done any special scientific work.

On the other hand, the contents of this entry, relatively is short and have several research criticisms that incorrect application in examples of exaggeration and its history, disregard for the views of Shiites and disbelieve the spiritual station of the infallible Imams (AS), disbelieve the Return and repetition of slanders that anti Shiism say against them, are some of them.

Keywords: Qur'an, Qur'an Encyclopedia, Oliver Leaman, Exaggeration, Asma Afsar al-Din.

*. **Date of receiving:** 6 March 2019, **Date of approval:** 3 May 2020.

1. Graduated from level four in the seminary of Qom: M110afzali@gmail.com.



بررسی مدخل «غلو» در دانشنامه قرآن الیور لیمن*

محمدعلی افضلی^۱

چکیده

این نوشتار به بررسی مقاله «غلو» در دانشنامه قرآن: یک دایرةالمعارف، ویراسته پروفیسور الیور لیمن می‌پردازد. خانم دکتر اسما افسرالدین از اعضای هیئت تحریریه این دایرةالمعارف، آن را نگاشته است؛ اما با تحلیل و ارزیابی این مقاله می‌توان آن را تلاشی ناقص در جهت تبیین موضوع غلو در قرآن دانست. این مقاله از حیث ساختاری و محتوایی دارای نقصان‌های زیادی است. تعریف ناقصی از غلو ارائه کرده، به انواع غلو، علل پیدایش و مصادیق و نشانه‌های آن نپرداخته، کاربردهای واژه غلو در قرآن را بررسی نکرده و در مورد آیات مربوط به این موضوع و بررسی مصادیق غلو در قرآن که رسالت اصلی این مقاله بوده، کار علمی خاصی انجام نداده است. از طرفی مطالب بیان شده در این مدخل نسبتاً کوتاه، نقدهای پژوهشی متعددی نیز دارد که تطبیق ناصواب در مصادیق غلو و تاریخ پیدایش آن، عدم توجه به آراء شیعیان و غلو پنداشتن مقامات ائمه علیهم‌السلام، غلو دانستن رجعت و تکرار تهمت‌های مخالفان شیعه از جمله آن‌هاست.

واژگان کلیدی: قرآن، دانشنامه قرآن، الیور لیمن، غلو، اسما افسرالدین.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم: M110afzali@gmail.com.



مقدمه

در سال ۲۰۰۵ م، دانشنامه‌ای با محوریت قرآن کریم، با عنوان «قرآن: یک دایرةالمعارف» (The Encyclopedia Qur'an: an) در یک جلد و حدود ۸۰۰ صفحه در آمریکا چاپ شد که دومین دانشنامه نگاشته شده توسط مستشرقان در مورد قرآن کریم به حساب می‌آید (رضایی اصفهانی و اعتصامی، معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن، ۱۳۸۸: ۳۰)؛ این کتاب با ۴۶۸ مدخل اصلی و ارجاعی که توسط هشت نفر عضو هیئت تحریریه و ۴۳ نویسنده از ادیان و فرق مختلف نگاشته شده است. سرویراستار این اثر، پروفیسور الیور لیمن (Oliver Leaman) استاد مطالعات فلسفی دانشگاه کنتاکی آمریکا و متخصص در فلسفه اسلامی و یهودی قرون میانه است. این اثر در ایران با عنوان دانشنامه قرآن کریم در سال ۱۳۹۱ ش با ترجمه فارسی محمدحسین وقار توسط انتشارات اطلاعات در ۶۲۸ صفحه چاپ و منتشر گردید و تاکنون در مورد بررسی مدخل‌های این دانشنامه قرآن کریم چند مقاله نگاشته شده است که بیشتر آن‌ها در دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان چاپ و منتشر شده است؛ اما در مورد معرفی و بررسی مدخل «غلو» این دانشنامه کار پژوهشی خاصی انجام نگرفته است که در پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی این مدخل از دانشنامه قرآن الیور لیمن پرداخته خواهد شد.

۱. زندگینامه علمی نویسنده

نویسنده این مقاله دکتر اسما افسرالدین (Asma Afsaruddin) است که اصالتاً بنگلادشی و ساکن آمریکا است؛ او استاد دپارتمان فرهنگ و زبان خاور نزدیک در دانشگاه ایندیانا است که بعد از گرفتن مدرک دکتری خود در سال ۱۹۹۳ م در رشته مطالعات عربی اسلامی از دانشگاه جانز هاپکینز در بالتیمور ایالات مریلند آمریکا، مشغول به تدریس در این دانشگاه و دانشگاه هاروارد، کمبریج و ماساچوست شد و پس از آن به مدت ۱۳ سال در دانشگاه نوتردام ایالت ایندیانا آمریکا تدریس و پژوهش می‌نمود و در همین مدت در نگارش آثاری از جمله برخی از مقالات دایرةالمعارف قرآن به سرویراستاری الیور لیمن اشتغال داشت. وی مدیر گروه زبان‌ها و فرهنگ‌های شرق نزدیک در دانشگاه ایندیانا است و در رشته مطالعات اسلامی این دانشگاه تدریس می‌کند و زمینه کاری او اندیشه‌های سیاسی مذهبی اسلام، مطالعه بر روی متون اصلی اسلامی (قرآن و حدیث) است.

افسرالدین به خاطر تألیف کتاب «مجاهده در راه خدا؛ جهاد و شهادت در اندیشه اسلام» برنده جایزه جهانی کتاب سال در سی و دومین دوره جایزه جهانی کتاب سال شد. از دیگر آثار او نگارش



چند کتاب با نام‌های «مسلمانان نخستین: تاریخ و خاطره»، «فضیلت برتری: گفتمان اسلامی سده‌های میانه درباره مشروعیت رهبری»، «هرمنوتیک افتخار: فضای عمومی گفت‌وگوی زنان در اجتماعات اسلامی» و همکاری با دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن و عضو هیئت تحریریه آن است (علوی مهر و وجدی، بررسی مقالات «شفاعت» در دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

ایشان علاقه‌مند به پژوهش در اندیشه دینی و سیاسی اسلام در دوران مدرن و پست‌مدرن، هرمنوتیک قرآنی، نگاه‌های فقهی، تفسیری و اخلاقی به مسئله جهاد و شهادت و تکثرگرایی دینی و نقش‌های جنسیتی است و نویسنده حدود ۱۰ مدخل از مقالات دانشنامه قرآن کریم به سرویراستاری پروفیسور الیور لیمن است؛ از جمله این مقاله‌ها: مقاله ابوبکر، فضائل القرآن، غدیر خم، غلو، جهاد، سابقین، اولی الامر، جنگ، شفا و شهادت است که در ادامه به ارزیابی مقاله «غلو» نوشته دکتر اسما افسرالدین پرداخته خواهد شد.

۲. گزارشی از محتوای مقاله غلو (GHULUWW)

این مقاله که در حدود ۳۳۰ کلمه و به صورت مختصر و کوتاه نگاشته شده است، دارای اهمیت بسیاری است و نویسنده نکاتی را در آن بیان کرده که لازم است مورد ارزیابی و واکاوی قرار گیرد. در این مدخل خانم افسرالدین اشاره‌ای به تعریف غلو کرده و نقطه مقابل آن را اعتدال معرفی می‌کند و سپس با نگاه تاریخی به پدیده غلو، پیدایش آن را در تاریخ اسلام مربوط به فرقه‌های اولیه منسوب به تشیع و برخی آراء و باورهای شیعیان دانسته است و برخی از غلات را نام برده و دیدگاه خود در مورد قدیمی‌ترین غلات را بیان می‌کند. از این رو، با مراجعه به متن مقاله لازم است، به بررسی ادعاهای نویسنده مدخل غلو پرداخته شود.

۳. مزایا و نقاط قوت

این مقاله دارای مزایا و نقاط قوت خاصی نیست و اشاره به تعریف لغوی و تبیین واژه غلو، اگرچه به صورت ناقص بیان شده را می‌توان از مزایای این مدخل دانست که بیش از این مقدار، از این مقاله دایرةالمعارفی و از نویسنده آن که از اعضای هیئت تحریریه آن است، انتظار می‌رفت تا اصول پژوهش کارآمد را رعایت کند. از این رو، در ادامه به نقد و بررسی ساختاری آن و سپس نقدهای محتوایی مقاله غلو پرداخته خواهد شد و مطالب ناقص آن، تکمیل خواهد گردید.



۴. نقد ساختاری

مدخل غلو در دانشنامه قرآن کریم (قرآن: یک دایرةالمعارف)، دارای ضعف‌های فراوانی است و خواننده با مطالعه آن، که اصل در این‌گونه مقاله‌ها بر کوتاه و موجز بودن است، نه تنها با نتیجه یک پژوهش جامع و کامل مواجه نخواهد شد، بلکه دچار چالش‌ها و شبهاتی نیز می‌گردد که بخشی از این مشکل، حاصل ساختار ناقص این مقاله است؛ زیرا نویسنده تلاش نکرده تا یک مقاله جامع و کامل را در مورد غلو از دیدگاه قرآن ارائه دهد و به تعریف و تحلیل اجمالی آن با توجه به ادعاهای کتاب‌های فرقه‌نویسان مغرض و مخالف شیعه پرداخته است و از آوردن بسیاری از مباحث مربوط به غلو و افراط‌گرایی در قرآن و تبیین دیدگاه شیعه در این‌باره صرف نظر کرده است و برای ادعاهای بیان شده خود سند معتبری بیان نکرده و بدون هیچ نوع ارزیابی و راستی‌آزمایی به تکرار دیدگاه‌های مخالفان تشیع پرداخته است.

این مقاله دارای فقر شدید علمی است و بسیاری از مطالب مربوط به غلو؛ مانند: تعریف اصطلاحی، انواع غلو، تبیین مصادیق و شاخصه‌های آن، آیات مربوط به غلو، در مقاله غلو دکتر افسرالدین بیان نشده است و این مدخل رسالت خود را در مورد تبیین و تحلیل این موضوع انجام نداده است و از حیث ساختاری دارای اشکالات جدی است.

۵. نقد محتوایی

با توجه به بیان دیدگاه‌های اختلافی و غیرعلمی در این مقاله به ظاهر کوتاه، ظرفیت نقد و بررسی تفصیلی آن وجود دارد؛ اما نگارنده در بررسی و واکاوی محتوای این مدخل با دقت در محتوای آن، نقصان‌های مقاله غلو را یافته و در تکمیل آن‌ها کوشیده و به ارزیابی و راستی‌آزمایی ادعاهای افسرالدین پرداخته و آن‌ها را نقد و بررسی کرده است.

یک. تعریف ناقص از غلو

در این مدخل خانم اسما افسرالدین، اشاره‌ای به تعریف لغوی غلو کرده و از بیان تعریف کامل اصطلاحی آن خودداری کرده است. از این‌رو، در ابتدای این مقاله چنین آمده است: «کلمه غلو به معنی مبالغه و در مجموع افراط‌گری است» که این عبارت، شامل تعریف ناقص واژه غلو است؛ اما نویسنده در ادامه برای روشن شدن اصطلاح غلو می‌نویسد: «درواقع می‌توان آن را نقطه مقابل این عبارت قرآن دانست که مسلمانان باید «امّة وسطاً» (ملتی میانه و در اعتدال) (بقره/۱۴۳) باشند» (Leaman, The Quran: an Encyclopedia, 2006:p222). به نظر می‌رسد، نویسنده به دنبال تعریف اصطلاحی غلو با



نقیض آن بوده که به صورت غیر علمی و ناقص بیان شده است و از طرفی ادعای نقطه مقابل بودن است وسط بودن نسبت به غلو نیازمند بررسی و ارزیابی است؛ اما برای تکمیل نقصان این مطلب باید گفت: واژه غلو در لغت عرب، مصدر فعل «غلی یغلو» بوده و بر وزن فاعول است که به معنای افراط و تجاوز از حد در هر چیز است (فیومی، المصباح المنیر، ۱۴۲۵: ۴۵۲/۲؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۲۵: ۳۶۵)؛ و در مورد تعریف اصطلاحی آن، گونه‌های مختلفی از تعریف بیان شده است؛ به عنوان نمونه در تعریف عام از واژه غلو، برخی محققان چنین گفته‌اند: «انسان چیزی که به آن اعتقاد دارد را از حد خود بسیار فراتر ببرد» (صفری فروشانی، غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها، ۱۳۸۸: ۲۶)؛ همچنین فخر رازی نیز در این باره می‌گوید: «الغلو نقیض التقصیر و معناه الخروج عن الحد» (دغیم، ۲۰۰۱: ۵۰۹) که این تعریف او اشاره به معنای لغوی (تجاوز از حد) و تعریف غلو با اشاره به نقیض آن؛ یعنی تقصیر و کوتاه آمدن از مقام و جایگاه فردی مثل امام معصوم است.

متکلمان شیعه نیز در مورد غلو خاص، تعریف‌هایی ارائه کرده‌اند؛ از جمله شیخ مفید که در این باره می‌گوید: «غالیان کسانی هستند که به امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان دیگر از نسل آن حضرت، نسبت خدایی دادند و آنان را به چنان فضیلتی در دین و دنیا ستودند که در آن از اندازه بیرون رفتند (شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد الامامیه، ۱۴۱۳: ۱۳۱)؛ این تعریف بعدها توسط شهرستانی صاحب کتاب «الملل و النحل» نیز بیان شده و مورد تأیید قرار گرفت (شهرستانی، الملل و النحل، بی تا: ۱۸۰/۱)؛ اما کامل‌ترین تعریف غلو خاص را علامه مجلسی در بحار الانوار بیان کرده که شامل انواع غلو نیز می‌شود و به نظر نویسنده تعریفی جامع و مانع است. مجلسی می‌گوید: «بدان که غلو در مورد پیامبر خدا و امامان علیهم السلام با خدا دانستن آن‌ها و یا شریک خدا دانستن ایشان در اصل خدایی یا در عبادت و خلق کردن و روزی دادن حاصل می‌شود و همچنین اعتقاد به اینکه خداوند در حضرات معصومین علیهم السلام حلول کرده و متحد شده با روح ایشان و یا اینکه آن‌ها علم غیب استقلالی و بدون نیاز به وحی و الهام دارند و یا اینکه امامان از جمله انبیای الهی هستند و یا اعتقاد به تناسخ و ورود روح بعضی از آن‌ها در دیگری و اینکه شناخت آن‌ها ما را از عبادت خدا بی‌نیاز می‌کند و گناه کردن جایز است؛ همه این موارد از مصادیق غلو به شمار می‌آیند» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۳۴۴/۲۵). غلو در همه ادیان و فرق متصور است و آنچه در تعریف خاص و شیعی از این پدیده بیان شده، تطبیق ملاک‌های کلی نسبت به پیامبر و ائمه علیهم السلام است و الا نسبت خدایی، پیامبری و امامت دادن به هر فردی که لایق این مقام نباشد را غلو گویند.



دوم. عدم تبیین انواع غلو

پدیده غلو به علت گستردگی در مفهوم و مصداق، نیازمند جداسازی انواع مختلف آن از یکدیگر و بیان مصادیق هرکدام است و همین دغدغه باعث وجود تقسیمات مختلف برای این اصطلاح شده است؛ اما در ادامه انواع غلو، بر اساس تقسیم به دست آمده از عبارت علامه مجلسی در بحارالانوار (همان) استخراج و تحلیل می‌گردد.

۱. غلو در ذات

اگر ذات و حقیقت کسی را از حدّ خود خارج کرده و ادعای خدایی یا حلول جزء الهی یا تناسخ روح در مورد او شود و یا اینکه در مورد فرد غیر پیامبر، ادعای پیامبری شود این افراط‌گرایی را غلو در ذات گویند (افضلی، شیخیه و غلو در موضوع امامت، ۱۳۹۶: ۵۵).

۲. غلو در صفات

اگر انسانی از آن‌رو که انسان است به صفات و ویژگی‌های مخصوص خداوند (مثل خالقیت، رازقیت، معبودیت، محیی و ممیت بودن) منسوب شود، غلو در صفات پدیدار می‌گردد.

۳. غلو در فضائل

اگر در مورد انسانی غیر لایق با نسبت دادن فضائل و کرامات غیر معقول و بدون دلیل شرعی، غلو شود، این غلو در فضائل است و به بیان شیخ مفید آنان که حتی معصومین علیهم‌السلام یا فرد دیگری را به چنان فضیلتی در دین و دنیا نسبت دادند که در آن از اندازه بیرون رفتند، دچار غلو در فضائل گشته‌اند (مفید، تصحیح الاعتقاد الامامیه، ۱۴۱۳: ۱۳۱).

۴. غلو در عقیده

اگر شخصی نسبت به یکی از باورهای امامیه گزافه‌گویی و بزرگنمایی کرده و آن را از حد خود بالاتر ببرد، غلو در عقیده به وجود می‌آید، به‌عنوان نمونه کسی بر این باور باشد که شناخت ظاهری امام، شرط قطعی ورود او به بهشت است و بعد از این شناخت، انجام گناهان به ایمان و بهشتی بودن فرد آسیب نمی‌زند و هر کاری را می‌تواند انجام بدهد (افضلی، شیخیه و غلو در موضوع امامت، ۱۳۹۶: ۵۶).

سوم. مشخص نکردن مصادیق و مظاهر (نشانه‌های) غلو و تطبیق ناصواب مصادیق غلو

در مقاله غلو دانشنامه الیور لیمن مصادیق و نشانه‌های اعتقادات غالیانه ترسیم نشده است تا ملاک تعیین افراد و فرقه‌های غلو کننده بوده و میزان در تشخیص موارد غلو آنان باشد و بدون پرداختن به این بحث، غلو شناسی ناقص و بی‌فایده است. از این‌رو، مهمترین مصادیق غلو در ذیل بیان خواهد شد:



۱. اعتقاد به خدا بودن شخصی و او را خدای ازلی و قدیم دانستن (الوهیت تامه)؛
 ۲. اعتقاد به خدا بودن شخصی که شریک واجب الوجود و خدای متعال است (الوهیت ناقصه)؛
 ۳. اعتقاد به حلول جزء الهی در شخص خارجی یا اتحاد خداوند با شخصی و یا پسر خدا بودن آن؛ مانند آنچه مسیحیان در مورد حضرت عیسی گفته‌اند (مائده/ ۷۲، ۷۳ و ۷۵) یا آنچه برخی از یهودیان در مورد عزیر بیان کردند (توبه/ ۳۰ و ۳۱)؛
 ۴. اعتقاد به نبوت فرد غیر پیامبر و یا امامت فردی غیر از امامان؛
 ۵. اعتقاد به حلول روح پیامبر در وصی خود یا حلول و ورود روح وصی و امام در فرد عادی؛
 ۶. انتساب صفات و افعال ویژه خداوند به فردی؛
 ۷. انتساب شخصی به صفات و کمالات ویژه انبیاء و معصومین؛
 ۸. انتساب شخصی به صفات و افعال غیرمخصوص به خدا (معجزات و کرامات) به صورت استقلالی؛ اینکه مثلاً گفته شود، فردی (حتی معصوم) بدون نیاز به افاضه و عنایت خداوند مریضی را شفا می‌دهد؛
 ۹. اعتقاد به اینکه معرفت اهل بیت علیهم‌السلام سبب بی‌نیازی فرد از همه عبادات می‌شود و انجام گناهان به صاحب این معرفت، ضرری وارد نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۶/۱) که از مصادیق غلو در عقیده بود؛
 ۱۰. انتساب فضائل، کرامات و معجزات غیر معقول یا غیر منقول و غیر ماثور به فردی حتی معصومین علیهم‌السلام (افضلی، شیخیه و غلو در موضوع امامت، ۱۳۹۶: ۵۷-۶۰).
- به‌هرحال نویسنده نه‌تنها مصادیق حقیقی غلو اصطلاحی را بیان نکرده است، مصادیق غیر معتبر از غلو را چنین بیان کرده است «... ضمن آنکه زیاده‌روی در هر عملی، از جمله در انجام تکالیف اجباری و کلی عبادی با عدم تأیید روبرو گشت» که اولاً غلو و افراط در انجام عبادات مربوط به عمل است و بحث غلو مربوط به باورها است؛ ثانیاً زیاده‌روی در انجام تکالیف اجباری که احتمالاً مراد نویسنده واجبات است، مصادیق غلو اصطلاحی نبوده و تطبیقی غیر صحیح است و ممکن است در مواردی مصادیق غلو لغوی (زیاده‌روی و تجاوز از حد) باشد.

چهارم. بی‌توجهی به تاریخچه پیدایش غلو

خانم افسرالدین با عدم کاوش لازم در مورد تاریخچه واژه غلو و عدم مراجعه به آیات قرآن در مورد پیدایش این واژه و استعمال آن در دین اسلام دچار اشتباه شده و بر این باور است که «از نظر تاریخی، کلمه غلو اساساً برای اشاره به فعالیت‌های برخی از فرق اولیه شیعی موسوم به غلات (غلاة)، مفرد آن غالی) به کار رفت که تا قرن چهارم هجری/دهم میلادی، بسیاری از تعالیم آن‌ها از دیدگاه تشیع



کلاسیک، ضد آیین و افراطی اعلام گردید». نویسنده در این عبارت به تحریف تاریخ استعمال واژه غلو در قرآن پرداخته است؛ زیرا غلو اصطلاحی در بیشتر موارد در مورد اهل کتاب (یهود و نصاری) به کار رفته و به نظر می‌رسد، افسرالدین نخواستہ این مطلب را برای خواننده آشکار کند؛ از این رو، به تکرار ادعاهای کتاب‌های ضد شیعی فرقه‌نویسان اکتفا کرده است و به تاریخ حقیقی پیدایش غلو و استعمال آن نپرداخته است که در ذیل نواقص نوشته او تکمیل خواهد شد و ادعای او در مورد تاریخ غلو و ارتباط آن با شیعه، نقد و بررسی می‌شود.

۱. تاریخ غلو همپای با تاریخ بشر

با اندکی تأمل در خاستگاه غلو در طول تاریخ، این پدیده را می‌توان همسان با طول عمر انسان دانست و نشانه‌های اولیه آن را می‌توان در جوامع ابتدایی و غیر الهی پیدا کرد. به‌عنوان نمونه در مصر قدیم مردم در مورد حیواناتی مانند: گربه، گرگ، شغال و موجودات پیرامون خود مانند: برخی از گیاهان، رود نیل و غیره، غلو کرده و آن‌ها را می‌پرستیدند (توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ۱۳۸۶: ۱۶)؛ و در مواردی تعداد معبودهای آنان به دو هزار عدد می‌رسیده است (مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ۱۳۷۳: ۹۶/۱)؛ در هند نیز علاوه بر پرستش مظاهر طبیعی عالم مانند: خورشید، ماه و دیگر اجرام آسمانی (نمل/۲۴)، در مورد بعضی حیوانات؛ مانند گاو، میمون و مار غلو می‌کردند و آن‌ها را مقدس می‌شمردند (مشکور، خلاصه‌الادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، ۱۳۶۹: ۵۷؛ صفری فروشانی، گالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها، ۱۳۸۸: ۳۰)؛ در چین باستان بعد از اینکه در دوره‌ای روح پرست (مثل: روح پدر، مادر، اجداد و نیاکان) بودند، به پرستش آسمان، باد، رعد و اژدها روی آوردند (مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ۱۳۷۳: ۱۶۴/۱).

همچنین ایرانیان باستان آتش را مقدس می‌دانستند و ماه مهر که از مصادیق عدد هفت بود را قدسی دانسته و می‌پرستیدند (همان: ۳۰۴). اعراب جاهلی نیز گاهی بت‌های خود را از میان طبیعت انتخاب کرده، بر آن‌ها نام می‌گذاشتند و آن را عبادت می‌کردند. مانند العزّی که نام ستاره ثریا یا زهره بود که خدای مردم در دوره جاهلیت به شمار می‌آمد (مشکور، خلاصه‌الادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، ۱۳۶۹: ۲۷۳). در ژاپن نیز پادشاهان و امپراتورهای خود را پرستش کرده و آن‌ها را خدایانی از نسل آفتاب می‌دانستند (توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ۱۳۸۶: ۱۸). یونانیان قدیم نیز به خدایان نرینه و مادینه معتقد بودند و رومیان قدیم نیز چنین افکاری داشته و خدایانی از جمله خدای آفتاب، خدای دریا، خدای مؤنث و مادر را می‌پرستیدند (همان: ۱۹).



۲. غلو در ادیان الهی و گزارش افراطگرایی در یهودیت و مسیحیت

به گزارش قرآن کریم در ادیان الهی نیز غلو وجود داشته است. قرآن در مورد یهودیان می‌فرماید: «آن‌ها عزیز را پسر خدا دانسته در مورد او غلو کردند» (توبه/۳۰). برخی از مسیحیان نیز در مورد مسیح راه افراط را رفته و غلو کردند و از مسیر دین آسمانی الهی خارج گردیدند که در کتاب آسمانی اسلام بارها به خاطر این عقیده مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. قرآن کریم در این باره چنین می‌گوید: «همانا آنان که مسیح را پسر خدا دانستند، به تحقیق کافر شدند» (مائده/۱۷-۷۲؛ توبه/۳۰)؛ همچنین در چند جای دیگر قرآن از افرادی یاد می‌شود که ملائکه را می‌پرستیدند یا اینکه ملائکه را دختران خدا می‌دانستند (اسراء/۴۰؛ زخرف/۱۹؛ آل عمران/۸۰؛ نساء/۱۷۲؛ سبأ/۴۰)؛ گروهی دیگر در مورد جنیان غلو کرده و آن‌ها را خدای خود می‌خواندند (سبأ/۴۱)؛ پس موضوع غلو از ابتدای بعثت پیامبر اسلام ﷺ در قرآن مطرح گردیده و مسلمانان از غلو و افراط‌گری‌های ادیان پیشین بر حذر داشته شده‌اند که این حقیقت در مدخل غلو دانشنامه قرآن الیور لیمن تبیین و تحلیل نگردیده است.

۳. سرآغاز غلو در اسلام بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ

دین اسلام نیز از غلو و افراط‌گرایی دینی به دور نمانده و غالیانی در طول تاریخ اسلام در حق پیامبر ﷺ، ائمه ﷺ و یا افرادی دیگر غلو کردند که منجر به اظهار نظر عالمان اسلامی از جمله فرقه‌نویسان در مورد آن‌ها شده است؛ مثلاً عبدالقاهر بغدادی، باب چهارم از کتاب «الفرق بین الفرق» را به بیان فرقه‌هایی اختصاص داده که منسوب به اسلام هستند، ولی حقیقتاً از امت اسلامی به شمار نمی‌روند. بغدادی بیست فرقه را در آن باب آورده و نام آنان را غلات گذاشته است (بغدادی، الفرق بین الفرق، بی تا: ۲۳۰-۲۳۳)؛ از جمله فرقه‌هایی که بعد از رحلت رسول خدا ﷺ در مورد شخص پیامبر ﷺ غلو کردند، فرقه محمدیه است که شیخ مفید در مورد آن‌ها می‌گوید: «محمدیه گروهی از غلات هستند که رحلت پیامبر ﷺ را منتفی دانسته و معتقد به حیات ایشان هستند و به الوهیت پیامبر ﷺ اعتقاد دارند» (مفید، الفصول العشرة فی الغیبة، ۱۴۱۳: ۲۵)؛ فضل بن شاذان نیز در ردّ غلات محمدیه کتابی نوشته است (همو، الفصول المختاره، ۱۴۱۳: ۲۵۵).

۴. غلو در میان همه ادیان و همه مذاهب اسلامی

اگرچه اتهام به غلو بیشتر در مورد شیعیان بیان شده است؛ اما در میان تراث معتبر روایی شیعه و سنی و کتاب‌های تاریخی و کلامی علمای شیعه و اهل تسنن سخنان فراوانی در مورد غلو در مورد پیامبر ﷺ، خلفا و برخی از صحابه به چشم می‌خورد. از دیدگاه شیخ مفید در کتاب «فصول المختاره»



پیدایش اولین غلو قطعی و ثابت در اسلام از عمر بن خطاب در مورد پیامبر اسلام ﷺ صادر شده است (همان: ۱۹۳) که او بعد از رحلت پیامبر ﷺ، آن را انکار کرد و گفت: از هر کس بشنوم که بگوید: پیامبر ﷺ مرده است، او را با این شمشیر می‌کشم؛ او نمرده است تا خدا منافقین را به هلاکت برساند (حلبی شافعی، السیره الحلییه، ۱۴۲۷: ۳/۳۵۱)؛ اگرچه از گزارش اتفاق‌های بعد از رحلت حضرت، انگیزه سیاسی صدور چنین جمله‌ای فهمیده می‌شود؛ اما به هر حال این جمله شروع غلو و افراط در تاریخ اسلام را ثابت می‌کند که زمینه باور عدم رحلت حضرت رسول ﷺ توسط افرادی همچون فرقه محمدیه و زمینه ساختن و ترویج جملاتی غالیانه در مورد خلفا و صحابه را فراهم آورد که مرحوم علامه امینی رحمته الله در کتاب الغدير و علامه مجلسی در جلد ۳۰ و ۳۱ کتاب بحارالانوار موارد زیادی از آن‌ها را بیان کرده‌اند.

جریان غلو و افراط‌گرایی دینی در اهل تسنن، منحصر به شخصیت‌های مهم این گروه نبود و در سده‌های بعدی نیز، سودجویانی به غلو در مورد اعتقادات یا شخصیت برخی افراد و خلفای مورد قبول خویش پرداختند. به عنوان نمونه غلات عباسیه (راوندیه) قائل به الوهیت منصور و پیامبری ابومسلم خراسانی شدند یا ابو مسلمیه قائل به امامت ابومسلم خراسانی شدند و فرقه‌های دیگری نیز مانند: مقنئیه، رزامیه، هاشمیه، خرمدینیه به وجود آمدند که کتاب‌های فرق و مذاهب به تفصیل به آن‌ها پرداخته‌اند (نوبختی، فرق الشیعه، ۱۴۰۴: ۶۱).

تاریخ پیدایش غلو در قرآن نیز قابل پیگیری است؛ قرآن کریم وجود غلو در میان اهل کتاب را مطرح کرده است و در سوره مائده می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ (مائده/۷۷)؛ «بگو: ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگوئید! و از هوس‌های جمعیتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید.» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «در این خطاب، به آن جناب (رسول خدا) دستور می‌دهد که اهل کتاب را دعوت کند به اینکه در دین خود مرتکب غلو و افراط نشوند، چون اهل کتاب مخصوصاً نصارا به این بلیه و انحراف در عقیده مبتلا بودند» (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۱۱۰/۶)؛ در تفسیر مجمع البیان نیز در مورد مصداق ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ﴾ گفته شده: «خطاب متوجه مسیحیان است. برخی گفته‌اند: خطاب متوجه یهودیان نیز هست؛ زیرا آنان نیز در تکذیب حضرت عیسی و حضرت محمد ﷺ غلو کردند» (طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۱۳۶/۷)؛ از این‌رو، صاحب تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن روایتی از امام حسن عسکری را آورده که حضرت علی علیه السلام شأن



نزول این آیه را در مورد مسیحیان دانسته‌اند (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن: ۳۴۲/۲)؛ همچنین در آیات قرآن موارد غلو مسیحیان در مورد حضرت عیسی (نساء/۱۷۱) و مصادیق افراط‌گرایی و غلو یهودیان در مورد عزیر نبی (مانند: توبه/۳۰) نیز بیان شده است.

بنابراین این گونه نیست که غلو و افراط‌گرایی با تشیع گره خورده و این پدیده و انحراف دینی فقط در میان شیعیان مصداق داشته باشد؛ بلکه قبل از آن در میان اهل کتاب وجود داشته و قرآن این حقیقت را بازگو نموده است و در میان مسلمانان نیز شیعه شروع کننده جریان غلو نیست و اتهامات برخی نویسندگان در مورد تشیع بی اساس بوده و مخالف نقل‌های تاریخی و کتاب‌های روایی است و آنچه در مدخل «غلو» دایرةالمعارف الیور لیمن آمده است نتیجه پژوهش ناقص و ناکارآمد و عدم مراجعه به منابع شیعی و قرآن و تفاسیر آن است.

پنجم: تطبیق ناروا در نقش عبدالله بن سبأ و تکرار تهمت مخالفان شیعه

افسرالدین در مورد تاریخ پیدایش جریان غلو در اسلام، آن را همزاد با شخصی به نام عبدالله بن سبأ دانسته و در مورد او می‌گوید: «قدیمی ترین غلات یا غالیان را عبدالله بن سبأ می‌دانند که گفته شده، منکر مرگ علی بود و اعتقاد داشت که او به زمین باز خواهد گشت» (Leaman, The Quran: an Encyclopedia, 2006: 222؛ لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۱: ۳۸۱) که این ادعا را باید مورد ارزیابی و بررسی قرار داد.

عبدالله بن سبأ که در منابع مختلف از او با نام‌های گوناگونی مانند ابن السوداء، ابن سبأ، ابن وهب بن سبأ، ابن السوداء السبئی، ابن سبأ الحمیری و ابن سبأ وهب الراسبی الهمدانی یاد می‌شود، به ادعای طبری، فردی یهودی و اهل صنعا بود که در دوران خلافت عثمان به اسلام گروید (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، بی تا، ۳۴۰/۴)؛ و بعد از گذشت اندک زمانی در شهرهای مسلمان‌نشین به نشر و تبلیغ عقاید منحرف خود پرداخت و از دیدگاه طبری عامل اصلی حوادثی مانند کشته شدن خلیفه سوم اهل تسنن و تأسیس تشیع و غلو در مورد امام علی علیه السلام، شخص عبدالله بن سبأ دانسته شده است (همان).

با بررسی و ارزیابی منابع و اسناد این ادعاها، آشکار می‌گردد که محمدبن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق)، نخستین منبعی که به جریان عبدالله بن سبأ و ادعاهای او پرداخته است. طبری این مطالب را در کتاب «تاریخ الأمم و الملوک» به نقل از شخصی به نام سیف بن عمر بیان کرده است و کتاب‌های تاریخی پس از او، این مطالب را با استناد به نقل طبری بیان کرده‌اند؛ در حالی که سیف بن عمر از دیدگاه بسیاری از علمای رجالی اهل تسنن، ضعیف و متروک است و روایات او پذیرفته نمی‌شود.



(نسایی، الضعفاء و المتروکون، ۱۴۰۵ ق: ۵۰؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۶: ۲۹۵/۴) تا جایی که ذهبی در این باره ادعای اجماع کرده است (ذهبی، المغنی فی الضعفاء، ۱۳۹۱: ۲۹۲/۱) و سیف بن عمر متهم به جعل و ساختن احادیث است (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۶: ۲۹۵-۲۹۶)؛ همچنین از دیدگاه برخی از محققان معاصر شیعه مانند علامه طباطبایی و علامه عسکری اساساً شخصی به نام عبدالله بن سبا وجود خارجی نداشته و شخصیت او ساخته و پرداخته افرادی مانند سیف بن عمر است (عسکری، عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی، ۱۳۸۷: ۶۸/۱؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۶۰/۹).

بنابراین دکتر اسما افسرالدین در مقاله غلو، با استناد به برخی منابع تاریخی و کتاب‌های فرقه‌نویسان مغرض و بدون ارزیابی مطالب بیان شده و مراجعه به پژوهش‌های نگاشته شده در این زمینه، به تکرار ادعای مخالفان شیعه پرداخته و شخصیتی افسانه‌ای را شروع کننده غلو شمرده است که در تناقض با تاریخ پیدایش غلو در اسلام است که در همین مقاله به آن اشاره شد.

ششم: عدم بیان علل و زمینه‌های پیدایش غلو

پدیده غلو نیز مانند سایر پدیده‌ها به واسطه علت‌ها و انگیزه‌های مختلفی به وجود آمده است که نویسنده در مدخل «غلو» به آن نپرداخته است و این یکی از نقصان‌های مقاله دکتر افسرالدین است که در ذیل به جهت تکمیل و بر طرف کردن این مشکل، مهمترین انگیزه‌ها و علت‌های ایجاد پدیده غلو بیان می‌گردد.

۱. حبّ افراطی و علاقه شدید

این علت در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز بیان شده است؛ مثلاً امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند: «هلک فیّ رجلاً محبّاً غال و مبغض قال» (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۶۵۳)؛ از این رو هر محبی که برای دوستیش اندازه نگه نداشت و راه افراط را طی نمود، به غلو کشیده خواهد شد که در مورد منشأ غلو یهودیان و مسیحیان نیز چنین احتمالی وجود دارد. همان‌گونه که برخی مفسران در تفسیر آیات مربوط به غلو چنین بیان کرده‌اند. به عنوان نمونه علامه طباطبایی در ذیل آیه ۷۷ سوره مائده به احترام خاص یهود به عزیر اشاره کرده و عامل افراط‌گرایی آنان را دوست داشتن و احترام دانسته است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴، ۳۲۶/۹)؛ و در جای دیگر علت این احترام افراطی را شرح داده و می‌گوید: «چون وی (عزیر) یهود را پس از آنکه به دست بابلی‌ها اسیر شدند، به وطن‌هایشان، اورشلیم (بیت المقدس) بازگردانید و تورات را که در واقعه بخت‌النصر به کلی از بین رفته



بود، جمع‌آوری نمود. یهود هم در مقابل این خدمت و به پاس این احسان، لقب مزبور را به وی دادند» (همان: ۱۱۱/۶)؛ پس به طور کل «غلو اهل کتاب همین بوده که انبیا و احبار و راهبان خود را تا مقام ربوبیت بالا می‌برده و در برابر آنان به نحوی که جز برای خدا شایسته نیست، خضوع می‌کرده‌اند و خدای متعال در آیه مورد بحث آنان را به زبان نبی خود از آن نهی می‌کند» (همان).

۲. جهل و نادانی

این عامل را شاید بتوان وجه مشترک همه یا بیشتر علل درون دینی به شمار آورد؛ زیرا هر جا که نور علم به زوال رفته و فرد عقاید حق و صحیح را نداند، عوامل خودساخته دیگر مثل حب افراطی، اندیشه‌های ناخالص و ساخته ذهن خود را جایگزین معارف حقیقی می‌کند. قرآن کریم در مورد گزارش غلو یهود و نصاری می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (توبه/ ۳۰)؛ «و یهود گفتند: عُزیر، پسر خداست و نصاری گفتند: مسیح، پسر خداست. این گفتاری (بی دلیل و برهان) است که به زبان می‌آورند و به گفتار کسانی که پیش از این (به حقایق) کفر ورزیدند، شباهت دارد؛ خدا آنان را نابود کند، چگونه (از حق به باطل) منحرف می‌شوند.»

برخی مفسران جمله «ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ» را اشاره به همین عامل دانسته‌اند. آلوسی نیز در تفسیر این جمله از آیه می‌نویسد: مراد سخنی بدون دلیل از سر جهالت و دشمنی است که همانند الفاظ بی معنا و مهممل به شمار می‌آید (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۷: ۲۷۵/۵). زمخشری نیز آن را دارای دو وجه دانسته و در این باره معتقد است یکی از دو وجه در معنای آیه این است که مراد حرف‌های بیهوده و جاهلانه آن‌هاست، مانند سخنان مهممل که از سر نادانی بیان می‌شود (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۲۶۴/۲).

۳. بینش سطحی و عدم هضم و فهم معارف بلند دین و شخصیت رهبران دینی

در این عامل، انگیزه و علت بزرگ‌نمایی و غلو فرد، داشتن اطلاعات ناقص از دین و بعضی معارف بلند دین است. از این رو این دسته از افراد را جهل و نادانی گمراه نمی‌کند؛ بلکه سطحی‌نگری، اطلاعات ناقص و شخصیت‌پرستی به پرتگاه غلو پرتاب می‌کند. قرآن شخصیت فوق‌العاده افراد را یکی از زمینه‌های غلو و گزافه‌گویی درباره آن‌ها می‌داند (رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ۱۳۸۹: ۴۷۲/۲۱). مثلاً در سوره آل عمران چنین آمده است: «وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران/ ۸۰)؛ «و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود



انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می کند؟» در تفسیر نمونه پس از بیان تفسیر آیه نتیجه می گیرد که «آیات فوق با صراحت تمام هرگونه پرستش غیر خدا و مخصوصاً بشرپرستی را محکوم می سازد و روح آزادگی و استقلال شخصیت را در انسان پرورش می دهد، همان روحی که بدون آن شایسته نام انسان نخواهد بود» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۳۵)؛ بنابراین از این آیه فهمیده می شود که ممکن است، برخی مردم به جهت ناتوانی فهم عمیق معارف دینی و تفکیک میان شخصیت بلند پیامبران و یا ملائکه، دچار غلو در مورد آن ها شوند و آنان را خدا بپندارند.

۴. هواپرستی و دنیا خواهی

عده ای از جاهلان و نااهلان یا سودجویان و مزدوران با اهداف دنیوی و تمایلات نفسانی مانند سوء استفاده های مالی در مورد شخصی غلو می کنند تا دیگران را در اطراف او جمع کرده و از این راه به اهداف دنیایی خود برسند؛ امام حسن عسکری علیه السلام در مذمت این گروه از غالیان می فرماید: «لعنت خدا بر آنان که به نام ما اموال مردمان را تصاحب می نمایند» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۳۱۸/۲۵) که مصداق بارز آن را در جریان واقفیه می توان یافت. این زمینه و علت غلو را می توان از بیان خداوند متعال در سوره مائده برداشت کرد؛ هنگامی که در مورد دوری از غلو چنین دستور می دهد: «بگو: ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگوئید! و از هوس های جمعیتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید» (مائده/۷۷).

در این آیه عبارت «وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ» نشان می دهد که علت و زمینه غلو برخی از اهل کتاب در مورد حضرت مسیح و رهبران خود، تبعیت از هوی و دنیاخواهی بوده است. از این رو در تفسیر مجمع البیان آمده است: «این آیه، خطاب به معاصران پیامبر است. (خداوند) آن ها را از اینکه پیرو هوی و هوس و مذاهب باطل نیاکان خود باشند و کور کورانه از آن ها تقلید کنند منع می کند» (طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۱۳۷/۷)؛ پس گاهی غلو و افراط گرایی به جهت دنیاپرستی و مال و قدرت طلبی، انجام می گیرد.

۵. تأثیر نیروهای نفوذی ادیان و مذاهب دیگر

بنا بر نقل تاریخ نویسان، بعد از شکست یهود و نصاری از سپاهیان اسلام، عده ای از ایشان که با توجه به تصریح قرآن، دچار غلو بودند (نساء/۱۷۱؛ مائده/۷۵ و ۷۷؛ توبه/۳۰ و ۳۱؛ آل عمران/۵۹ و ۶۱)، به ظاهر اسلام آوردند و غلو در مورد رهبران دینی را به ساده لوحان مسلمان انتقال دادند و زمینه پیدایش غلو در اسلام را فراهم آوردند که بعضی خداشیه را این چنین گروهی دانسته اند (مشکور، خلاصه الادیان در تاریخ دین های بزرگ، ۱۳۶۹: ۱۷۷).



هفتم: بی توجهی به آراء شیعیان و غلو پنداشتن مقامات ائمه علیهم السلام

خانم دکتر افسرالدین در بیان مصادیق غلو به موردی اشاره می کند و می گوید: «اعتقاد به آنکه امام از نوعی اقتدار پیامبرانه «نبوت» برخوردار است که البته از خود پیامبر پایین تر بوده و از بارقه نور الهی که به آدم به ارث رسیده، نشأت گرفته است» (Leaman, The Quran: an Encyclopedia, 2006: 222)؛ لیمن، دانشنامه قرآن کریم، ۱۳۹۱: ۳۸۱؛ این جمله ضمن نامفهوم بودن مراد حقیقی او، حاکی از بی توجهی به آراء شیعیان در بحث امامت و جایگاه امام در نظام آفرینش است و به نظر می رسد، او مقام خلیفه الهی بودن، عصمت و علم غیب و مانند آن را از مصادیق غلو برشمرده است که کلامی بدون دلیل بوده و حاصل یک جانبه نگری نویسنده و عدم مراجعه به آثار روایی و کلامی شیعه در تحلیل موضوع غلو است.

هشتم: عدم فهم صحیح از رجعت و غلو دانستن آن

نویسنده در برشمردن موارد و مصادیق غلو می گوید: «این تعالیم، شامل مفاهیمی از این قرار بود: مفهوم رجعت که بر پایه آن، مسلمانان صالح بعد از مرگ، همراه با امام غایب، به زمین باز می گردند...» (همان)؛ افسرالدین به صراحت، باور شیعیان به رجعت را از اعتقادات غالیانه آنان دانسته است؛ اما غلو نامیدن مفهوم رجعت، نتیجه عدم فهم صحیح از آن و تکرار ادعاهای مخالفان شیعه به شمار می آید (اللهمی ظهیر، الشیعة و السنة، ۱۳۹۶: ۵)؛ و اگر او به متن قرآن (نمل/۸۳؛ کهف/۱۸-۲۱ و ۴۷)، روایات (مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۴۰۴: ۶۳/۵۳) و تفاسیر قرآن (مانند: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳۹۷/۱۵) مراجعه کرده بود، چنین دیدگاهی را بیان نمی کرد.

نهم: نقص در تبیین و تطبیق مصادیق غالیان

در بخش پایانی این مقاله مصادیقی از غلات چنین بیان شده است: «از دیگر غالیان معروف، مغیره بن سعید، ابو منصور عیجی و کیسانیه را می توان نام برد که از حامیان وفادار محمد بن حنفیه، بودند» که در این باره باید گفت: اولاً شایسته بود که مقاله مورد نظر مصادیق غلات را با مراجعه به قرآن کشف کرده و بیان می کرد و از غلو یهود، نصاری (مسیحیان) و اهل کتاب و آیات آن نام می برد که قبلاً به برخی از آیات آن اشاره شد؛ ثانیاً کاوش ناقص نویسنده باعث شده تا از غلات متقدم و مهم نامی نیاورد؛ ثالثاً نویسنده ادعای غلو در جریان کیسانیه را مطرح کرده است که با انکار محققان شیعه مواجه است و از موارد اتهام فرقه نویسان به جهت تضعیف قیام مختار به شمار می آید (صفری فروشانی، غالیان کاوشی در جریان ها و برآیندها، ۱۳۸۸: ۸۸).



دهم: عدم بیان آیات در مورد غلو و بررسی و تحلیل کاربردهای واژه غلو در قرآن

یکی از مهمترین اشکالات و نقصان‌های این مقاله، عدم تبیین دیدگاه قرآن نسبت به موضوع غلو است. از این رو، با اینکه در مقدمه دانشنامه الیور لیمن چنین ادعا شده که «این دایرةالمعارف یک مجموعه از مدخل‌های قرآنی است؛ نه اسلام...» (رضایی اصفهانی و اعتصامی، معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن، ۱۳۸۸: ۳۳)؛ در مدخل غلو نوشته خانم دکتر اسما افسرالدین به مطالب قرآنی و آیات مربوط به غلو و دیدگاه‌های مفسران در این باره پرداخته نشده است که اولین و کمترین انتظار از این مقاله در دایرةالمعارف قرآن، پرداختن به کاربرد واژه غلو در قرآن است؛ از این رو، افزون بر آیاتی که تاکنون بیان گردیده به جهت برطرف کردن نقصان این مقاله، در ادامه به کاربرد واژه غلو در آیات قرآن اشاره خواهد شد.

واژه غلو و مشتقاتش چهار مرتبه در قرآن آمده است که دو مورد آن غلو در امور معنوی و دینی است و دو مورد دیگر (که هر دو مورد در یک جای کلام الله آمده است: دخان/۴۵-۴۶) کاربرد غیر اعتقادی داشته و به معنی جوشش است. استعمال واژه غلو، در غلو دینی در قرآن نیز در مورد اعتقاد افراطی اهل کتاب است که خداوند در خطاب به رسول خدا ﷺ دستور می‌دهد تا آنان را از این انحراف باز دارد و می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ...﴾ (مائده/۷۷)؛ «بگو: ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویند!» از ادامه این آیه و آیات دیگر (مانند: مائده/۷۲؛ نساء/۱۷۱؛ توبه/۳۱؛ آل عمران/۵۹ و ۶۱) فهمیده می‌شود که مراد از این غلو، ادعای الوهیت برای حضرت عیسی ﷺ توسط مسیحیان است که عملاً تثلیث را پذیرفته و به خدای پدر، پسر و روح القدس قائل بودند. پس با توجه به این نوع کاربرد واژه غلو در قرآن، استعمال واژه غلو در تجاوز از حد و افراط در امور دینی و عقیدتی تثبیت می‌شود که در این نوشتار به مصادیق قرآنی آن نیز پرداخته شد.

یازدهم: ضعف در منابع مدخل غلو

دکتر افسرالدین، در پایان این مدخل تنها یک منبع و کتاب با عنوان «بحران و تثبیت در دوره تکوینی اسلام شیعی، ابوجعفر ابن قبه رازی و سهم او در اندیشه شیعی امامی» (Leaman, The Quran, an Encyclopedia, 2006: 223) نوشته سیدحسین مدرسی طباطبایی را مستند خود معرفی نموده است که این کتاب در سال ۱۹۹۳ م از سوی انتشارات داروین در شهر پرینستون منتشر شد و بعدها توسط هاشم ایزدپناه ترجمه شده و در سال ۱۳۸۶ ش با عنوان «مکتب در فرآیند تکامل؛ نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین» در ایران چاپ شد.

این نویسنده تحت تأثیر مستشرقان بوده و دیدگاه‌ها و آثار این نویسنده بارها مورد نقد اندیشوران حوزه و دانشگاه قرار گرفته است؛ از این رو، کتاب او دارای اشکالات محتوایی فراوانی است و نقدهای زیادی بر آن نگاشته شده است. از جمله مقاله «نقد رو شناسی تاریخ تفکر تشیع در کتاب مکتب در فرآیند تکامل» نوشته استاد دکتر عبدالحسین خسروپناه و حمیدرضا قربانی مبین که کار پژوهشی این نویسنده را دارای



ضعف‌های زیادی دانسته و نتیجه می‌گیرد: «آقای مدرّسی... با اعتماد و اولویت دادن به منابع غی شیعی و ارجاعات غیر روشمندان، از حیث روش استناد دچار خلل شده است و با خلط کاربردهای واژگان، کاربرد معیار غیر معتبر و غفلت از مؤلفه تقیه در احادیث، نتوانسته تفسیر و برداشت درستی از متون و منابع حدیثی، تاریخی و رجالی ارائه کند (خسروپناه و قربانی مبین، نقد روش شناسی تاریخ تفکر تشیع در کتاب مکتب در فرایند تکامل، ۱۳۹۵: ۳۰۲). بنابراین خانم اسما افسرالدین کار علمی خود را به منابع اولیه و اصیل اسلامی و آثار نگاشته شده توسط علمای شیعه مستند نکرده و ضعف در منابع پژوهشی متقن و استفاده نکردن از منابع تخصصی در تحلیل موضوع غلو در قرآن، عدم استفاده از آخرین مطالب نگاشته شده در این موضوع و عدم توجه به منابع مهم شیعی در تحلیل اعتقادات شیعه، از حیث منابع پژوهشی نیز مدخل غلو را دچار نقصان و اشکال کرده است.

نتیجه

مقاله غلو در دانشنامه قرآن کریم (قرآن: یک دایرة المعارف) به سرویراستاری پروفیسور الیور لیمن، نوشته‌ای از خانم دکتر اسما افسرالدین از اعضای هیئت تحریریه این دانشنامه بوده که از اساتید دانشگاه ایندیانا آمریکاست.

در مورد ارزیابی آن می‌توان گفت: مقاله غلو این نویسنده، مزیت پژوهشی و نقاط مثبت ویژه‌ای ندارد، بلکه تلاشی ناقص در جهت تبیین موضوع غلو از دیدگاه قرآن است و مشتمل بر نقصان‌های ساختاری و محتوایی فراوانی است و مطالب بیان شده این مدخل نیز دارای اشکالات تاریخی و کلامی زیادی می‌باشد که اهم مواردی که در این نوشتار مورد ارزیابی قرار گرفت، بدین شرح است:

تعریف ناقص از غلو؛ عدم تبیین انواع غلو؛ مشخص نکردن مصادیق و نشانه‌های غلو و تطبیق ناصواب مصادیق غلو؛ بی‌توجهی به تاریخ پیدایش غلو؛ تطبیق ناروا در نقش عبدالله بن سبأ و تکرار تهمت مخالفان شیعه؛ عدم بیان علل و زمینه‌های پیدایش غلو؛ بی‌توجهی به آراء شیعیان و غلو پنداشتن مقامات ائمه علیهم‌السلام؛ غلو دانستن رجعت؛ نقص در تبیین و تطبیق مصادیق غالیان؛ عدم بیان آیات در مورد غلو و بررسی کاربردهای واژه غلو در قرآن و ضعف در منابع مدخل غلو.

به طور کل بی‌توجهی به آیات قرآن در مورد واژه غلو و مصادیق و موارد بیان شده از غلو یهود و نصاری در قرآن، تطبیق نادرست مطالب، استفاده از گزارش‌ها و روایات تاریخی غیر مستند و فقدان طبقه‌بندی و ارزیابی داده‌ها از جهت اعتبار، داشتن پیش فرض‌های خاص نسبت به عقاید شیعه و برداشت‌های نادرست از آن، تکرار تهمت‌های فرقه‌نویسان، عدم ارائه توضیحات کافی و بیان موارد لازم در قالب دست بندی و عناوین فرعی، ضعف در منابع مقاله و کمتر استفاده کردن از منابع تخصصی در تحلیل موضوع غلو و قرآن، عدم استفاده از آخرین مطالب نگاشته شده در این موضوع و بی‌توجهی به منابع شیعی در تحلیل اعتقادات شیعه و بیان ادعاهایی بر ضد تشیع، عدم تناسب اهمیت موضوع و حجم مقاله که مجالی بیش از این را می‌طلبد از اشکالات اساسی و محتوایی این مقاله است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. آلوسی بغدادی، ابوالفضل شهاب الدین سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۷ ق.
۳. اللهی ظهیر، احسان، الشیعة و السنة، اداره ترجمان السنه، لاهور: ۱۳۹۶ ق.
۴. افضلی، محمدعلی، شیخیه و غلو در موضوع امامت، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم: ۱۳۹۶ ش.
۵. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، دارالمعرفه، بیروت: بی تا.
۶. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، مؤسسه فرهنگی طه، تهران: ۱۳۸۶ ش.
۷. حلبی شافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلویه، دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۷ ق.
۸. خسروپناه، عبدالحسین، قربانی مبین، حمیدرضا، «نقد روش شناسی تاریخ تفکر تشیع در کتاب مکتب در فرایند تکامل»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیستم، شماره ۲، ۱۳۹۵ ش.
۹. ذهبی، محمد بن أحمد، المغنی فی الضعفاء، دار المعارف، حلب: ۱۳۹۱ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ذوی القربی، قم: ۱۴۲۵ ق.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، اعتصامی، سید مهدی، «معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن»، دو فصلنامه تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۹ ش.
۱۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالاحیاء الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، محمد، مشهور، قم: ۱۳۷۹ ش.
۱۵. شهرستانی، عبدالکریم، الممل و النحل، دارالمعرفه، بیروت: بی تا.
۱۶. صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان کاوشی در جریانها و برآیندها، آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۸۸ ش.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۷ ق.



۱۸. —، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۷۴ ش.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران: ۱۳۶۰ ش.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، بی‌نا، بیروت: بی‌تا.
۲۱. عسقلانی، أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر، تهذیب التهذیب، مطبعة دائرة المعارف النظامية، هند: ۱۳۲۶ ق.
۲۲. عسکری، مرتضی، عبد الله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی، مترجم: سردارنیا، عطاء محمد، دانشکده اصول دین، قم: ۱۳۸۷ ش.
۲۳. علوی مهر، حسین، وجدی، فاطمه، «بررسی مقالات «شفاعت» در دایرة المعارف قرآن الیور لیمن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۲۴. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر، المكتبة العصرية، قم: ۱۴۲۵.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۴۰۷.
۲۶. لیمن، اولیور، دانشنامه قرآن کریم، ترجمه: وقار، محمدحسین، انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۹۱.
۲۷. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، منطق، قم: ۱۳۷۳.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳.
۲۹. مشکور، محمد جواد، خلاصة الاديان در تاریخ دین‌های بزرگ، شرق، تهران: ۱۳۶۹.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۷۴.
۳۱. مفید، محمد بن نعمان، الفصول العشرة فی الغيبة، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، قم: ۱۴۱۳.
۳۲. —، الفصول المختاره، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، قم: ۱۴۱۳.
۳۳. —، تصحيح الاعتقاد الاماميه، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، قم: ۱۴۱۳.
۳۴. نسایی، احمد بن شعيب، الضعفاء و المتروكون للنسائي، مؤسسة الكتب الثقافية، بیروت: ۱۴۰۵.
۳۵. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضواء، بیروت: ۱۴۰۴.
36. Leaman, Oliver, The Quran: an Encyclopedia, Routledge, 2006.



Bibliography

1. The Holy Quran, translated by Rezaei Esfahani, Mohammad Ali et al., Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: 2004.
2. Alusi Baghdadi, Abu al-Fadl Shahab al-Din Sayyid Mahmud, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Saba al-Muthani, Dar al-Fikr, Beirut: 1417 AH.
3. Allah Zahir, Ehsan, Shiite and Sunnah, Office of Sunni Translators, Lahore: 1396 AH.
4. Afzali, Mohammad Ali, Sheikhiyh and exaggeration on the subject of Imamate, University of Religions and Denominations, Qom: 2017.
5. Baghdadi, Abdul Qahir, The difference between the Sects, Dar al-Ma'rifah, Beirut: n. d.,
6. Tawfiqi, Hossein, Introduction to Great Religions, Taha Cultural Institute, Tehran: 2007.
7. Halabi Shafi'i, Ali ibn Burhan al-Din, Al-Halabiyah biography, Dar al-Kitab al-Alamiya, Beirut: 1427 AH.
8. Khosrowpanah, Abdolhossein, Ghorbani Mobin, Hamid Reza, "Methodological Critique of the History of Shiite Thought in "the early Shiite Evolution", Quarterly Journal of Epistemological Studies at the Islamic University, 20th year, No. 2, 2016.
9. Zahabi, Muhammad ibn Ahmad, Al-Mughni Fi Al-Dhu'aafa, Dar Al-Ma'arif, Aleppo: 1391 AH.
10. Ragheb Isfahani, Husain Ibn Muhammad, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Dhu al-Qurba, Qom: 1425 AH.
11. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Etesami, Seyed Mehdi, "Introduction and review of The Quran: an encyclopedia, Oliver Leaman", two specialized quarterly Quarterly, The Qur'an from Orientalists Points of View, Fourth Year, No. 7, 2009.
12. Rafsanjani, Akbar, Quran Dictionary, Book Garden, Qom: 2010.
13. Zamakhshari, Mahmoud, Discovering facts of the obscure of revelation and the Best Sayings on the aspects of interpretation, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Kitab Al-Arabi, 1407 AH.
14. Seyyed Razi, Muhammad ibn Husain, Nahj al-Balaghah (Peak of Eloquence), translation: Dashti, Muhammad, famous, Qom: 1379.
15. Shahrestani, Abdul Karim, Al-Milal wa Al-Nihal (Nations and groups), Dar al-Ma'rifah, Beirut: Bit.
16. Safari Foroushani, Nematullah, Ghaliens: A Study in currents and outcomes, Astan Quds Razavi, Mashhad: 2009.
17. Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein, the Criterion in the Interpretation of the Qur'an, Society of Teachers, Qom: 1417 AH.
18. _____, translation of Tafsir al-Mizan, translated by Mousavi Hamedani, Seyyed Mohammad Baqir, fifth edition, Islamic Publications Office, Qom: 1995.
19. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, translation of Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Farahani Publications, Tehran: 1981.
20. Tabari, Muhammad ibn Jarir, History of Nations and Kings, Beirut: n. d.,



21. Asqalani, Ahmad Ibn Ali Ibn Muhammad Ibn Ahmad Ibn Hajar, Tahdhib Al-Tahdhib (Refinement of the refinement), Military Encyclopedia Press, India: 1326 AH.
22. Askari, Morteza, Abdullah Ibn Saba and other historical legends, Translator: Sardarnia, Ata Mohammad, Faculty of Principles of Religion, Qom: 2008.
23. Alavi Mehr, Hossein, Wajdi, Fatemeh, "A Study of the Articles of" Intercession "in: The Quran: an encyclopedia, by Oliver Leaman", Quranology of Orientalists, No. 23, Fall and Winter 2017.
24. Fayumi, Ahmad Ibn Muhammad, Al-Misbah Al-Munir, Al-Muktabah Al-Asriya, Qom: 1425.
25. Kulaini, Mohammad Ibn Ya'qub, Al-Kafi, Islamic Library, Tehran: 1407.
26. Leaman, Oliver, The Quran: an Encyclopedia, translated by Waqar, Mohammad Hussein, Information Publications, Tehran: 2012.
27. Muballighi Abadani, Abdullah, History of religions and sects of the world, logic, Qom: 1373.
28. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, The Seas of Lights: Encyclopedia of New reports of the infallibles Imams, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut: 1403.
29. Mashkoo, Mohammad Javad, Summary of Religions in the History of Great Religions, East, Tehran: 1990.
30. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nemoneh, Islamic Books House, Tehran: 1374.
31. Mufid, Muhammad ibn Nu'man, the tenth chapters in the unseen, the world study for the useful sheikh, Qom: 1413.
32. Al-Fusul Al-Mukhtarah, Al-Mutamar Al-Alami for Al-Shaykh Al-Mufid, Qom: 1413.
33. Correction of the Imami belief, the world study for the beneficial Sheikh, Qom: 1413
34. Nisa'i, Ahmad Ibn Shoaib, The Weak and the Abandoned for Women, Institute of Cultural Books, Beirut: 1405.
35. Nobakhti, Hassan Ibn Musa, Shiite sects, Dar al-Azwa, Beirut: 1404.
36. Leaman, Oliver, The Quran: an Encyclopedia, Routledge, 2006.